

نهج البلاغه را بیشتر بخوانیم

10 مهر 1401

اوایل دهه شصت وقتی امیر نادری در فیلمسازی به نگاه تازه‌ای رسید، در مصاحبه‌ای دلیل عبور از تنگنا و رسیدن به دونده را خواندن کتاب [صد سال تنهایی مارکز](#) و دیدن چند فیلم و آشنایی بیشتر با امپرسیونیسم و... دانست. نادری بر خواندن چندین باره صد سال تنهایی (بیش از پنجاه بار) تاکید کرد و به نحوی به حفظ آن کتاب اعتراف کرد.

این روزها با آنچه در خیابان‌ها و پیاده‌روهای بعضی از شهرهای ایران رخ می‌دهد بیش از پیش به امیر نادری و این گفته‌اش فکر می‌کنم. دلیلش ربط چندانی به نادری و موضع‌گیری‌اش نسبت به وقایع امروز نیست. بیشتر به خواندن چندین و چند باره کتاب برمی‌گردد. تجربه‌ای که او به خوبی پشت سر گذاشت و به تغییر مثبتی رسید. تغییری که بی‌شک با دانایی و کتابخوانی امکان‌ش فراهم می‌گردد.

به گمانم همه کسانی که امروز به پشتوانه جایگاهی که دارند در قدرتند و درباره شرایط روز سخن می‌گویند، بیشترشان بهترین کتاب همه عصرها را نخوانده‌اند. کتابی که با موضعی که می‌گیرند باید در ردیف کتاب‌های بالینی‌شان باشد. منظورم کتابی است که قرن‌ها از شکل‌گیری‌اش می‌گذرد اما تاریخ و محتوایش ثابت کرده کتاب همه عصرها است. می‌تواند وفای به عهد، پرهیز از دروغ، برخورد با نیازمندان، راستگویی، برخورد با مخالف و بالاتر از همه مردم‌داری و حکومت کردن را به بهترین نحو به آدم بیاموزد. خصوصاً آدمی که زمانه، شرایط یا مهم‌تر از همه مردم به جایگاهی رسانده‌اند. کتاب اگر چه قطری بیش از پانصد صفحه دارد اما طوری است که خواندن یک بخش کوتاهش هم می‌تواند راهگشا باشد. برای زمامدارانی که خواندن کتاب رسم دیرینه‌شان است و نبود وقت را برای خواندن کتاب دلیل قانع‌کننده‌ای می‌دانند یک نامه حدوداً هفده صفحه‌ای این کتاب می‌تواند آنها را به کارهای خوبی وادار کند. کارهایی که برای درک و فهمش خواندن چندین باره این صفحات و از آن مهم‌تر باور به اندیشه‌ها و آموزه‌های انسانی است که در عدالت و آزادی بی‌نظیر بود.

کاش امکان این وجود داشت تا از کسانی که این روزها به هر که مخالف خودشان است فحش و ناسزا می‌دهند پرسیده شود چند بار کتاب نهج البلاغه را خوانده‌اید، اگر پاسخ‌شان یک‌بار باشد هم کافی است. اما نه! برای آنکه دریابیم کتابی باعث تاثیر و تغییر آدمی می‌شود باید به نتایجش نگاه کنیم. خواندن و تعریف از بهترین کتاب‌های دنیا هم نمی‌تواند دلیل خوبی برای تاثیر آن کتاب در آدمی باشد. آدمی که شکل کتاب مورد تعریفش نیست یا آن [کتاب](#) را نخوانده یا درست درک نکرده است.

خدا کند خوانندگان و تاثیرگیران نهج البلاغه بیشتر شود و گرنه آدم با آنچه این روزها می‌بیند و می‌شنود دوباره ناگزیر است زیر لب زمزمه کند علی تنها است.

*حسن لطفی